

Theory of Transferred Malice in English Legal System and Its Applicability to Iran's Criminal Law

Milad Amiri¹, Ebrahim Yaghouti^{2*}, Assadollah Masoudi Magham³,
Ahmad Ommi⁴

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Unit, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran



Article Type:

Original Research

Pages: 129-155

Received: 2022 July 11

Revised: 2022 August 17

Accepted: 2022 October 31



Abstract

The theory of malice transferred for the first time in 1576 AD in the English case Regina v. Saunders & Archer was brought up and it is currently referred to in English jurisprudence. The reason for inventing this theory was to consider the murder as intentional due to the mistake of the perpetrator in the person of the victim. In such a way that the perpetrator had the intention of killing a certain person and actually tried to kill him, but because of a material mistake, he kills another person. This theory is based on the centrality of transferring the intention from the intended person to the unintentional victim. In the book "History of the Coronation of the Police" by Sir Matthew Hale, which is considered an influential treatise in English criminal law, it is stated that the reason for the transfer of intent is simply law or justice. However, the important question of the current research philosophy is the applicability of this theory to the criminal law of Iran. Some jurists claim the manifestation of this theory in the note to Article 292 of the Islamic Penal Law 2013; While this claim is not acceptable. Because the mentioned note is independent of criminal intent as a face of malice and the main axis of it is the other face of malice, which is the knowledge of realizing the criminal result. This is while in the theory of transferred malice, knowledge or awareness of the criminal product has no place.

Keywords: Malice, Transferred Malice, Intention, Knowledge, Mistake in Person

*Corresponding Author: yaghouti2010@yahoo.com

نظریه شرّ انتقال یافته در نظام حقوقی انگلستان و قابلیت تسری آن به حقوق کیفری ایران

میلاد امیری^۱، ابراهیم یاقوتی^{۲*}، اسدالله مسعودی مقام^۳، احمد امی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



چکیده

تئوری شرّ انتقال یافته نخستین مرتبه در سال ۱۵۷۶ میلادی در پرونده انگلیسی *Regina v. Saunders & Archer* مطرح گردید و در حال حاضر نیز در رویه قضایی انگلستان بدان استناد می‌گردد. علت ابداع این نظریه، عمدی تلقی نمودن قتل ناشی از اشتباه مرتکب در شخص مقتول بوده است. به نحوی که مرتکب، قصد قتل شخص معینی را داشته و در جهت به قتل رساندن وی عملاً تلاش نموده، لکن به دلیل خطای مادی، شخص دیگری را به قتل می‌رساند. این نظریه، بر محوریت انتقال قصد از شخص مقصود به شخص نامقصود قربانی شده، استوار است. در کتاب تاریخچه ی تاج‌گذاری پلیس اثر سرمتیو هیل که رساله ای تأثیرگذار، در حقوق کیفری انگلستان محسوب می‌شود، تنصیب گردیده که علت انتقال قصد، صرفاً عدالت است. علی‌ای حال، فلسفه ی تحقیق حاضر قابلیت تسری این نظریه به حقوق کیفری ایران می‌باشد. برخی از حقوق دانان مدعی تجلی این نظریه در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هستند؛ در حالی که این ادعا قابل پذیرش نیست. زیرا تبصره یاد شده فارغ از قصد مجرمانه، به عنوان چهره ای از سوء نیت بوده و محور اصلی آن چهره دیگر سوء نیت یعنی علم به تحقق نتیجه مجرمانه می‌باشد. این درحالیست که در نظریه شرّ منتقل شده، علم یا آگاهی به محصول مجرمانه جایگاهی نداشته و حتی قابلیت یا عدم قابلیت پیش بینی مجنی علیه مطرح نمی‌باشد. این پژوهش به شیوه تحلیلی توصیفی به موضوع پرداخته است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۵۵-۱۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: قصد، قصد انتقال یافته، عمد، علم، اشتباه در شخص

* نویسنده مسئول: yaghouti2010@yahoo.com

درآمد

افراد، به انگیزه های گوناگون قصد کشتن فردی را در ذهن خود پرورانده و در جهت تحقق هدف اندیشیده، گام بر می دارند. گاه، رفتار اتخاذ شده به هدف مورد نظر اصابت و منتهی به قتل مقصود می شود و گاه، رفتار اتخاذ شده، منحرف و به هدف غیر مورد نظر اصابت و منتهی به قتل نامقصود می شود. در حالت اخیرالذکر در نظام حقوقی کامن لاً از جمله کشور انگلستان، قتل واقع شده بر اساس یک تئوری که از قرن شانزدهم میلادی مرسوم بوده، عمدی محسوب می شود. (Husak, 1996: 65) این تئوری در رویه قضایی انگلستان به دکتترین شرف منتقل شده یا سوء نیت انتقال یافته شهرت یافته و مورد استناد محاکم آن کشور قرار گرفته است.^۱ شعار اصلی طرفداران این نظریه این است که قصد به دنبال گلوله است و هر نقطه ای که گلوله اصابت نماید، قصد بدان تعلق می یابد.^۲ این در حالی است که در حقوق ایران، قتل ناشی از اشتباه در اصابت، با دو رویکرد متفاوت قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و بعد از انقلاب اسلامی مواجه بوده است.^۳ رویکرد رویه قضایی قبل از انقلاب با تأسی از نظام حقوقی کامن لاً و حقوق فرانسه با حکم نظریه شرف

1. See, R v Saunders (1573) 2 Plowd 473- R v Latimer (1886) 17 QBD 359- R v Pembleton (1874) LR 2CCR 199 -R v Aremel Gnango (2011) UKSC 59.

2. See, People v. Czahara, 250 Cal. Rptr. 836, 839 (Ct. App.1988).

۳. نشست قضایی دادگستری استان مازندران - شهر رامسر به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۱ - کد نشست ۸۰۴۸-۱۴۰۰: نظر هیأت عالی: نظریه اکثریت قضات که قتل ناشی از اشتباه هویت مقتول یا قتل ناشی از اشتباه در مصداق را از مصادیق قتل عمدی دانسته اند و قتل ناشی از اشتباه در هدف گیری را غیر عمدی تلقی نموده اند، مورد تأیید اعضاء هیأت عالی است. نظر اکثریت: گاهی اتفاق می افتد کسی قصد قتل شخص معینی را دارد و عملیات اجرایی جرم را هم شروع می کند، ولی به عللی دچار اشتباه می شود و شخص دیگری را به جای فرد مورد نظر خود به قتل می رساند. مثلاً کسی از روی دشمنی که با شخص الف دارد، قصد کشتن وی را می کند و با تهیه سلاح، در مسیر عبور وی کمین می کند تا او را هدف گلوله قرار داده و به قتل برساند؛ ولی به هنگام تیراندازی دچار اضطراب شدید می شود و در نتیجه به جای آن که الف را نشانه بگیرد، عابری را هدف قرار داده و به زندگی وی خاتمه می دهد. یا این که به علت عدم مهارت در نشانه گیری، اشتباهاً شخص دیگری را هدف گلوله قرار می دهد و در نتیجه تیر به خطا رفته و به دیگری اصابت می کند و فرد از دنیا می رود... باید گفت که قانون گذار قتل ناشی از اشتباه در هدف را قتل غیر عمدی (حسب مورد شبه عمد یا خطای محض) می داند.

انتقال یافته برابر بوده است.^۱ لکن بعد انقلاب اسلامی و شرعی شدن قوانین کیفری (اصل ۴ قانون اساسی) با تأسی از نظر مشهور فقهای امامیه حکم قتل ناشی از اشتباه در هدف ذیل مبحث جنایت خطای محض، بدواً در ماده ۲ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ و سپس در بند الف ماده ۲۹۵ و ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و در نهایت در بند پ ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تنصیب یافته است. در نتیجه حکم اشتباه در شخص بعد از انقلاب اسلامی طبق قول مشهور فقهای متقدّم و معاصر، خطای محض تلقی شده است. لکن قانونگذار با عنایت به مقوله عنصر روانی در جرایم و جنایات عمدی و با الگوپذیری از فقه اسلامی و حقوق انگلستان، نوآوری را در عنصر معنوی و در نهایت اشتباه در هدف، خلق نموده است. این نوآوری، فراز پایانی ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم مقید و تبصره ماده ۲۹۲ همان قانون در خصوص فرض استثنائی عمدی بودن جنایت ماهیتاً خطائی است. بر اساس این دو مقرر، در حالت استثنائی با وجود فقدان قصد فعل و نتیجه نسبت به مجنی علیه، حکم جنایت ناشی از اشتباه در اصابت، عمدی تلقی شده است. برخی از حقوق دانان این پدیده ی قانونی نوین را ملحق به نظریه شرّ انتقال یافته می دانند. (قورچی بیگی، نقیبی، ۱۳۹۴: ۱) به نحوی که با پیش بینی تبصره مذکور، این دکترین از نظام حقوقی کامن لاء به حقوق ایران، تسری یافته است. مع هذا، برای روشن شدن موضوع و رد این دیدگاه می بایست بدواً با نظریه شرّ انتقال یافته و سپس با مقوله علم به وقوع نتیجه آشنا شویم.

۱. نظریه شرّ انتقال یافته

نظریه شرّ انتقال یافته، در ادبیات حقوقی انگلستان و آمریکا تحت عناوین: ((قصد منتقل شده))^۲ یا ((عنصر روانی منتقل شده))^۳ یا ((سوء نیت منتقل شده))^۴ شناخته می شود که مورد اخیر الذکر در حقوق انگلیس رایج تر است. (Sitnik, ۲۰۱۶: ۱۱۵) جایگاه این نظریه در مورد خطای مرتکب در اصابت یا هدف گیری است. برخی این اصابت تصادفی

۱. آرای شماره ۱۸۰۷ مورخ ۱۳۱۶/۸/۱۵ و شماره ۱۸۰۰ مورخ ۱۳۱۶/۸/۱۵ و شماره ۱۴۴۱ مورخ ۱۳۱۷/۶/۳۰ و شماره ۱۷۰۷ مورخ ۱۳۳۶/۸/۱۵ دیوان عالی کشور

2. Transferred Intent
3. Transferred Mens Rea
4. Transferred Malice

را تحت عنوان هدف بد^۱ نام‌گذاری نموده اند.^۲ در اینجا باید اشاره کرد که برخورد قضایی و قانونی اکثر نظام های حقوقی جهان در مواجهه با مقوله اشتباه در شخص ذیل عنوان سه تئوری قرار می‌گیرد؛ ۱. تئوری قصد انتقالی^۳، ۲. تئوری بی شخصیتی یا بی هویتی^۴، ۳. تئوری شخص خاص.^۵ بدین توضیح مختصرکه؛ در تئوری قصد انتقالی، آسیب رساندن به شخص آسیب دیده جرم است در حالی که آسیب رساننده قصد آسیب رساندن به شخص خاص^۶ غیر از مجنی علیه را داشته است و در جهت صدمه به وی (انسان مُقید) اقدام نموده است. در این تئوری، قصد بدوی مرتکب از طریق انتقال نیّت شامل هر شخصی می‌شود که به جای شخص مقصود و به صورت تصادفی آسیب می‌بیند. در تئوری بی هویتی، آسیب رساندن به شخص آسیب دیده جرم است در حالی که آسیب رساننده قصد آسیب رساندن به هر شخص را داشته است و در جهت صدمه به (مُطلق انسان) اقدام نموده است، صرف نظر از این که این قصد علیه شخص آسیب دیده واقع شده یا نشده باشد. (Horder :۲۰۰۶: ۳۸۳) در تئوری شخص خاص، آسیب رساندن به شخص آسیب دیده جرم است در حالی که آسیب رساننده قصد آسیب رساندن به شخص خاص غیر از مجنی علیه را داشته است و در جهت صدمه به وی اقدام نموده است. در این تئوری، بدون استفاده از انتقال نیّت، آسیب به انسان ولو خاص و معین برای جرم بودن نتیجه واقع شده کافی است. همان طور که ملاحظه می‌شود در حالت اول و سوم، مرتکب قصد آسیب رساندن به شخص معینی را داشته و در نهایت رفتار بر روی شخص نامعین واقع می‌شود. ملاک در حالت اول انتقال قصد از شخص منظور به شخص نامنظور است و ملاک در حالت بعدی مطلق قصد آسیب به انسان است ولو آن که شخص آسیب دیده معین ذهنی نباشد. در حالت دوم مرتکب قصد آسیب رساندن به مطلق انسان را دارد و

1. Bad aim

۲. پیتر وستن بر این اعتقاد است که اصطلاح "هدف بد" توسط وین لا فاو در سال ۲۰۰۳ میلادی ابداع گردیده است.

)) Westen-(322 : 2013 ,LaFave338 :2003 ,

3. Transferred malice doctrine

4. Impersonality doctrine

5. Particular-person doctrine

6. Particular person

هویت قربانی برای مرتکب اهمیتی ندارد. (Bohlander ۲۰۱۰: ۵۵۶) طرفداران این تئوری معتقد هستند قتل مستلزم کُشتن یک انسان است نه یک انسان خاص. باید اذعان داشت، قصد انتقالی محصول نظام حقوقی کامن لاء است و از این نظام حقوقی به سایر نظام های حقوقی، احاله یافته است. (kutner, ۲۰۱۶: ۳) قصد انتقالی، از جمله مباحثی است که در حقوق جزا در فصل مربوط به عنصر روانی (اعم از عمد یا بی احتیاطی) بدان پرداخته می شود. (Hogan, Smith, ۲۰۱۵: ۱۵۱) زیرا به طور کلی به عنوان یک قاعده، در مورد قصد مجرمانه، درک می شود. بر اساس فرهنگ لغات حقوقی بلک: سوء نیت منتقل شده به این معنی است که سوء نیت به یک شخص یا یک شی معطوف می شود اما در عوض به گونه ای که برای شخص اول در نظر گرفته شده است به دیگری آسیب می رساند.^۱

این تئوری دارای قدمتی بیش از چهار قرن است و از قرن شانزدهم میلادی مطرح شده است. (Dressler, ۲۰۰۹: ۱۲۴)^۲ البته، هیچ حکم قانونی در آن زمان در خصوص این دکترین تنصیب نیافته بود، ولی در عمل مورد استناد قرار می گرفت. اولین مرتبه، دکترین سوء نیت انتقال یافته در پرونده انگلیسی رجینا علیه ساندرز و آرچر^۳ در سال ۱۵۷۶ میلادی مطرح شد. به نحوی که قبل از این پرونده، چنین دکترینی مورد استناد قرار نگرفته بود. (Husak, ۱۹۹۶: ۶۵-۶۶) در این پرونده، جان ساندرز، سببی که با آرسنیک مسموم کرده بود را به همسرش می دهد. او قصد کُشتن وی را داشته است تا با قتل او بتواند با زنی که عاشق اش بوده، ازدواج کند. همسرش مقدار کمی از سبب را استفاده و در نهایت بی آن که بداند سبب مسموم است، آن را به دخترش الینور می دهد. دختر آنها با خوردن سبب کُشته می شود. این در حالی بود که جان ساندرز، خوردن سبب توسط دخترش را مشاهده و مانع او نشد تا همسرش متوجه موضوع نشود. در نهایت، متهم، مسئول قتل عمدی دخترش محسوب شد. زیرا قصدگناهکارانه او برای کشتن همسرش به دخترش منتقل گردید.^۴ (Crofts, ۲۰۱۵: ۳۷) بدین ترتیب نیت یا قصد اولیه مرتکب، شرایط لازم

1. See, Garner, Bryan A. Black's law dictionary, 8th edition, Dallas, Texas: Thompson West p 977

2. Understanding Criminal Law (5 th ed. 2009)

3. Regina v. Saunders & Archer

۴. در حقوق ایران می توان به استناد تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی پدرالینور را نه به دلیل انتقال قصد از

را برای محکومیت عمدی قتلِ شخصی غیر منظور فراهم ساخت. (Ehrenreich, ۲۰۱۶, ۵۶) : از جمله پرونده های دیگری که در اوایل قرن هفدهم میلادی مورد استناد نظریه مذکور قرار گرفت و به شهرت رسید، موضوع اگنس گور^۱ بود. اگنس، قصد کشتن شوهرش را با قرار دادن مواد سمی در داروی وی داشت، در نهایت مارتین (شخصی غیر از شوهرش) کشته شد. شایان ذکر است شرایط اگنس گور در زمان خود چالش بر انگیز بوده است. در آن شرایط دادگاه اگنس باید تصمیم می گرفت که مجلس در مورد متهمانی که اهداف مورد نظر خودشان را از دست می دهند و دیگران را ناخواسته به قتل می رسانند (اشتباه در هدف)، چه تصمیمی دارد؟ آیا مجلس قصد برچسب زنی و اعمال مجازات قتل عمد را بر مرتکب دارد؟ یا این که مجلس قصد اعمال مجازات کمتر از قتل عمد را دارد؟ دادگاه در آن زمان به این نتیجه رسید که مجازات اگنس گور برای هر چیزی کمتر از قتل عمد، یک نقص بزرگ در قانون بوده است؛ بدین توضیح که وقتی کسی برای کشتن هر موجود معقول و محترمی زهر یا سم تهیه می کند، هر موجود معقول و معصومی که به این وسیله کشته می شود، کسی که قصد بد و جنایتکارانه داشته است به سزای اعمال خود می رسد، زیرا او به همان اندازه مجرم و جنایتکار بزرگ و نکوهیده است که گویی قصدش علیه شخص دیگر گذاشته است. لذا این نوع جنایت شنیع بدون مجازات نخواهد ماند و دادگاه چنین برداشت نمود که اگر چنین استدلالی پذیرفته نشود، نقصان بزرگی در قانون خواهد بود. آبدین سان، دادگاه پس از اینکه تلویحاً به این نتیجه رسید که پارلمان قصد دارد قاتل در مقوله اشتباه در شخص را به مجازات قتل عمد محکوم نماید، چاره ای جز استناد به نظریه شر انتقال یافته نداشت، زیرا دادگاه می خواست، قصد اگنس گور را از شخص مقصود (همسرش) به شخص نامقصود (مارتین) پیوست نماید. (Westen, ۲۰۱۳, ۳۲۷) لذا اکثر محاکم در نظام حقوقی کامن لاء در موارد قتل ناشی از اشتباه در شخص با دلایلی از جمله حمایت از قربانی و جلوگیری از فرار مرتکب از مجازات، به تئوری قصد انتقالی متوسل می شوند.

همسرش به فرزندش بلکه به دلیل آگاهی و توجه وی به رفتار نوعاً کشنده ای که برای وی مشهود و قابل پیشگیری بوده است، قاتل عمدی تلقی نمود.

1. Agnes Gore's Case, 9 Co. Rep. 81a, 77 Eng. Rep. 853 (1611).

2. 9 Co. Rep. at 82a, 77 Eng. Rep. at 854.

۱) ((سر جیمز استفان))،^۲ قاضی معروف انگلیسی قرن هفدهم میلادی در اثر خود تحت عنوان ((تاریخ حقوق کیفری انگلستان)) در خصوص سوء نیت انتقال یافته، این گونه توضیح می دهد؛ ((قاتل، مقصر قتل (عمد) است، اگر مقصود قاتل، مرگ شخصی باشد و آن شخص کشته شود، همچنین عامل قتل، مجرم تلقی می شود، اگر او، به جای شخص منظور، تصادفاً و اشتباهاً شخص دیگری را به قتل رساند؛ هرچند او قصد آسیب رساندن به فرد کشته شده را نداشته باشد.)) (Stephen, ۱۸۸۳: ۸۰) باید تأکید نمود، نظریه نیت انتقال یافته تنها ناظر به جرایم مشابه است و در مورد جرایم مختلف اعمال نمی شود. Ashworth, ۲۰۱۶: ۱۹۹ (از نظریکی از حقوقدانان ایران، در حقوق انگلستان، برای عمدی محسوب کردن موارد خطای در هدف گیری، مجبور به ابداع نظریه یاد شده بوده اند. ایشان تصریح می کنند؛ مسلماً بدون پذیرش این نظریه، عمدی محسوب کردن نتیجه واقع شده در نتیجه خطای در شخص، حتی در صورت محقون الدم بودن شخص مورد نظر جانی، مشکل بود. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۳۸) لذا، انگلستان و آمریکا، کشورهایی هستند که قتل واقع شده در نتیجه اشتباه در هدف را عمدی می دانند؛ ولی با استدلال هایی که نشان می دهند از نظر آنها قتل واقع شده ماهیتاً عمدی نیست. (محمد خانی، ۱۳۹۷: ۲/۲۳۶) به عبارت دیگر، استفاده از نظریه مزبور و خصوصاً تأکید آن بر انتقال قصد از فرد مورد نظر به مجنی علیه، نشان می دهد که حقوقدانان این کشورها نیز در عمدی محسوب کردن این قتل، دچار مشکل شده و با نظریه مذکور در پی توجیه آن برآمده اند. (همان: ۲۳۶) زیرا اگر قتل یا صدمات ناشی از اشتباه در هدف ماهیتاً عمدی بود، نیازی به استفاده از دکتترین مزبور و انتقال قصد نبود و به همین دلیل، حقوقدانان انگلیسی در مورد اشتباه در ((هویت یا شخصیت))، بدون نیاز به استفاده از دکتترین نیت انتقال یافته، جرم واقع شده را عمدی می دانند. (Allen, ۲۰۱۹: ۸۵-۸۶) در نتیجه مقوله اشتباه در هویت، از نظریه شرّ انتقال یافته متمایز است. (Sitnik, ۲۰۱۵: ۱۱۶) این در حالی است که برخی از حقوق دانان ایران، اذعان داشته اند که نظریه موصوف برای تبیین وضعیت طراحی شده است که در آن مرتکب، صدمه ای به شخصی غیر از کسی که مدّ نظرش بوده وارد کرده است؛ خواه در اثر خطای در هدف و خواه در اثر خطای

1. See, Henry v. Maryland, 419 Md. 588, 19 A.3d 944 (2011).

2. Sir James ,Stephen

در هویت. (فورچی بیگی، نقیبی، ۱۳۹۴: ۳) در پایان تا آنجا که نگارندگان تتبع نموده اند، اکثر مفسران انگلیسی و حتی آمریکایی چه با توسل به نظریه شرانتقال یافته چه با توسل به نظریه بی هویتی جنایت ناشی از اشتباه در هدف (یا شخص) را عمدی می دانند و بیشتر اختلاف نظر آنها در مبنای عمدی بودن است.^۱

۲. علم به نتیجه (نظریه شرّ علمی)

مقدمتاً باید بیان کرد، مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است.^۲ جرم، تنها پدیده ای مادی نیست که اساس آن فعل و آثار آن، فعل باشد؛ بلکه جرم دارای ماهیتی روانی نیز می باشد. به عبارتی، رکن روانی به همراه مولفه های ضروری آن، به منزله ی روحی است که در پیکره مادی جرم دمیده می شود. (موسوی مجاب، ۱۳۸۸: ۲۳) اهمیت رکن مزبور به اندازه ای است که آقای دکتر حسین آقائی نیا در مقدمه کتاب عنصر معنوی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا می نویسند؛ عنصر روانی بحر بیکرانی است که رسیدن به آن کشتی بان عالم و مجرب نیاز دارد. (موسوی خوشدل، ۱۳۹۰: ۱۰) از این رو، رکن مادی جرم تا زمانی که رکن روانی به عنوان یک پایه جرم، با آن همگام نباشد، موجب مسئولیت کیفری نمی شود. به سخن دیگر، فعل یا ترک فعل در حقوق جزا زمانی به مرتکب قابل انتساب است که از فعل و انفعالات ذهنی او نشأت گرفته باشد؛ به طوری که جرم نتیجه خواست مجرم و یا خطای او باشد و هرگاه ثابت شود بین مرتکب و رفتار او هیچ رابطه نفسانی وجود ندارد، هیچ گاه نمی توان از اعمال مجازات یا هراقدام سرزنش آمیز دیگر بر او سخن گفت. (محمد خانی، ۱۳۹۵: ۱۴) اساساً دلیل اصلی شایستگی شخص در تحمل کیفر، عنصر روانی یا تفکر مجرمانه به عنوان مهم ترین رکن جرم است. لذا عنصر روانی، حالتی دماغی است که مادیات جرم و سایر ارکان مورد نظر مقنن، در رابطه با آن جرم را به تفکر عامل متصل می نماید. بدین سان، جرم دارای دو بَشَره است: ۱. بَشَره خارجی (عنصر مادی) ۲. بَشَره آندرونی (عنصر روانی)، هنگامی که شخصی عَزْم جَزْم ارتکاب جرمی را نسبت به

1. See, (Bohlander 2010a: 555); (Dressler 2005: 132-136); (Horder 2006: 383); (La-Fave 2003: 338-342); (Smith and Hogan); (75-73 :1988 Williams. (139-126 :1961

۲. ماده ۸. محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است.

موضوعی معین، در اندیشه مجرمانه خود می‌پروراند و برای عملی کردن ذهن آلوده به جرم، گام برداشته و در نتیجه اقدام می‌کند؛ ممکن است به هدف و غرض اندیشیده نائل آید و به نتیجه مقصود برسد و ممکن است به آن هدف چیره نشود؛ حالت دوم می‌تواند دو کیفیت داشته باشد؛ ۱. رفتار ارتكابی نه تنها به هدف مقصود اصابت ننموده است، بلکه فاقد موضوع و آسیب دیده است. ۲. رفتار ارتكابی به هدف مقصود اصابت نموده یا ننموده است، لیکن به موضوع نامقصد نیز اصابت کرده و در نتیجه رفتار، دارای آسیب دیده نامعین است. به عبارتی مرتکب، دچار اشتباه در هدف یا مرتکب خطاء در فعل شده است.^۱ بنابراین در جرایمی که نتیجه ممنوعه جزء ارکان مادی جرم محسوب می‌شود (جرایم مُقید به نتیجه)، اختلاف میان نتیجه مقصود متهم و نتیجه تحصیل شده توسط متهم، امری محتمل است. یکی از اشکال آن این است که، نتیجه مقصود، عیناً بر موضوع نامقصد واقع شود. در این صورت، مسئله جرم و عمدی بودن نتیجه حاصله و مسئولیت کیفری متهم در برابر نتیجه مقصود با نگاهی به مقوله موقعیت ذهنی مرتکب نسبت به جرم یا اصل لزوم عنصر روانی مطرح می‌شود. فی المثل، شخص «الف» به قصد صدمه به شخص «ب»، سنگی را به سمت آن نشانه می‌گیرد، لیکن سنگ به هدف مقصود، اصابت نمی‌کند بلکه در عوض به شخص «ج» که هدف نامقصد بوده است و در کنار «ب» ایستاده، اصابت می‌کند. علت عدم اصابت سنگ به هدف مقصود و عقیم ماندن آن، می‌تواند خطای در نشانه‌گیری، عدم مهارت و بیماری‌های جسمی مثل لرزیدن دست یا کم بینائی و غیره باشد. مسئله این است، آیا الف از منظر حقوق کیفری، نسبت به صدمه وارده به شخص ج، مجرم و مسئولیت کیفری دارد؟ به سخن دیگر، نتیجه واقع شده در شمار جنایات عمدی محسوب می‌شود؟ بدیهی است که صرف اسناد مادی آسیب، با وجود رابطه استناد میان نتیجه، فعل و فاعل، برای تحقق جنایت عمدی کافی نیست و پاسخ به سوال بالا را باید در قلمروی عنصر روانی یا اسناد معنوی و مقوله اشتباه در هدف یا شخص مورد مذاقه و بررسی قرار داد. طبق قواعد حقوق جزای عمومی سنتی

۱. خطای در فعل در اراده ناشی از ارتکاب جرم (قصد فعل) نیز قطعاً تأثیری گذارد. به نحوی که برخی از حقوق دانان ابراز داشته‌اند؛ در قتل عمدی منظور از قصد فعل آن است که قاتل فعل خود را نسبت به مجنی علیه از روی اراده انجام دهد، نه در اثر خطای در اصابت. (پوریافرانی، ۱۴۰۱: ۹۵) لذا خطای در اصابت یا اشتباه در شخص، اراده (سوء نیت عام) را در قتل عمدی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت، زمانی که سوء نیت عام در قتل عمدی یا خواستن ارادی انجام رفتار مجرمانه منتفی باشد، بررسی سوء نیت خاص (قصد قتل) اثری نخواهد داشت.

ایران و فقه جزائی، چون «الف» نسبت به آسیب وارده به «ج»، قاصد و واجد سوء نیت مستقیم محسوب نمی شود، فلذا عامد شمردن وی صحیح نمی باشد. (ما قُصِدَ لَمْ يَقَعْ و ما وَقَعَ لَمْ يُقْصَدْ) از نظر برخی از حقوق دانان، تحمیل محکومیت بر شخصی که قصد نتیجه ندارد، بی شک مصداق بارز ظلم بین محسوب و نمی توان شخص را به خاطر رفتاری که قصد نکرده است، مواخذه نمود. (برهانی، الهام، ۱۳۹۵: ۲۰۵/۱) مگر در صورتی که به موجب نص قانونی علم به تحقق جرم خاص کفایت کند. (همان: ۲۰۴) زیرا قصد از ارکان مهم و اصلی متشکله عنصر روانی در جنایات عمدی است. به عبارتی؛ عالم قاصد، عامد است. به این ترتیب در فرضی که برای قاضی کیفری، عدم تمایل و خواست واقعی به نتیجه مجرمانه احراز می شد، به دلیل زوال عنصر روانی جنایات عمدی، عامد محسوب نمودن شخص، محل اشکال بود.

اما حقوق جزای ایران با تغییر و تحولات مستحدثه در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ ارکان عنصر روانی جرایم عمدی را با تحولاتی مواجه ساخته است. این تغییرات به نفع طرفداران عمدی محسوب شدن نتایج حاصله نامقصود در مقابل نتایج مقصود و دیدگاه پیروان بزه دیده مدار و امنیت نگار انجام گرفته است. (دیدگاه حمایتی از بزه دیده) به گونه ای که قاضی کیفری در شرایط جدید تقنینی، در مواجهه باید موضوع مانحن فیه، نمی تواند به صرف فقدان قصد، نسبت به نتیجه حاصله؛ مرتکب رفتار را به دلیل عدم احراز عنصر روانی، از عمد مبرا سازد. بلکه زین پس، وفق بخش دوم ماده ۱۴۴ ق.م.ا، بند ب ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا، قاضی مکلف است در صورت عدم احراز قصد نتیجه، علم به تحقق نتیجه را بررسی نماید. در صورت فقدان علم نسبت به نتیجه یا اثبات جهل^۱ به وقوع نتیجه حاصله، با عنایت به فقدان قصد و علم محصولی؛ رفتار ارتكابی و نتیجه ناشی از آن را با عنایت به عدم تعلق عنصر روانی اعم از قصد یا علم به نتیجه، حسب مورد جنایت شبه عمدی یا خطای محض محسوب نماید. لهذا، مقنن اولین مرتبه^۲ بعد از حدود یک قرن قانونگذاری در حوزه حقوق کیفری، در جهت توسعه ی

۱. براساس ماده ۱۴۴ ق.م.ا می توان اقسام جهل، جزء جهل به حرمت حدود شرعی مقرر در ماده ۲۱۷ ق.م.ا و جهل به حکم (ویا قانون) مقرر در ماده ۱۵۵ ق.م.ا را شامل؛ جهل به موضوع (در برابر علم به موضوع)، جهل به وقوع نتیجه (در برابر علم به وقوع نتیجه) دانست. مضافاً برخی از حقوق دانان علم به رفتار فیزیکی (به عنوان جایگزین قصد رفتار فیزیکی) را با وجود عدم تصریح در ماده ۱۴۴ متصور می دانند. (میر محمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱۵۸)

۲. برخی از حقوق دانان به سابقه وجود این علم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و... استناد می نمایند در حالی که این

عنصر روانی جرایم عمدی اقدام به پیش بینی رکن جدیدی می نماید که در نتیجه ایراد شورای نگهبان به پیش نویس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بوده است.^۱ این رکن جدید، رکن علم به محصول یا نتیجه می باشد که در ماده ۱۴۴ ق.م.ا.هم عَرَضِ قصد مجرمانه در احراز جرایم عمدی مقید به نتیجه، نقش آفرینی می نماید. باید اذعان داشت؛ این تعبیر (علم به وقوع نتیجه) از سیستم نظام حقوقی کامن لاً^۲ و منابع فقهی، اقتباس شده است. (یکرنگی، عالی پور، ۱۳۹۴: ۱۵۷) این تعبیر، در حقوق انگلستان، قصد تبعی یا قصد غیر مستقیم خوانده می شود. بنابراین عنصر روانی در حوزه جرایم عمدی مقید به نتیجه، خاصه جنایات با تحولات مهمی و دقیقی مواجه شده است.^۳ این تغییرات در زمانی که بین هدف مقصود و هدف نامقصود، نیت یا سوء نیت؛ اختلاف انگیز باشد، پر رنگ تر است. هر چند که مقوله جدید علم به تحقق نتیجه یا شناخت نتیجه می تواند در مواردی که متهم، قصد آسیب یا صدمه به شخص یا مالی را ندارد، نیز کارایی هایی داشته باشد. (فقدان قصد اولیه) اما در موضوع این مقاله کاربرد علم به نتیجه در اشتباه در هدف در زمانی که شخص بدو قصد مجرمانه مبنی بر صدمه یا ضرر نسبت به موضوعی یا انسانی معین را دارد، لیکن موضوع دیگری (نامعین) آسیب می بیند، مطرح و بررسی می شود.

ارجاع صحیح نمی باشد. زیرا مطابق با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قتل ناشی از رفتار نوعاً کشنده، به علم به کشنده بودن رفتار مشروط گردیده که این علم، همان علم به نتیجه مجرمانه مقرر در فراز پایانی ماده ۱۴۴ ق.م.ا.می باشد، لکن در قوانین سابق، رفتار نوعاً کشنده مشروط به علم مرتکب به کشنده بودن رفتار نبوده و حتی در حالت فقدان علم نیز، عامل در شمول قتل عمدی قرار می گرفت. (بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰: مواردی که قاتل عمدی را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن نداشته باشد. بند ب ماده ۲ قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱: مواردی که قاتل عمدی را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن نداشته باشد. همان گونه که ملاحظه می شود، صرف احراز رفتار نوعاً کشنده جهت عمدی بودن قتل کفایت می نمود اعم از این که مرتکب به نوعاً کشنده بودن رفتار عالم بود یا جاهل.)

۱. مصوبه نخست مجلس (مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۷) در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه نیز باید احراز گردد. ایراد شورای نگهبان (مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹) از این نظر که قصد در رفتار مجرمانه، نتایج را در صورت علم خارج می کند یا نه ابهام دارد.

۲. رجوع کنید به؛ بند ۲۰۱ ماده ۱۴۹ قانون جزای انگلستان مصوب ۱۹۸۳

۳. تلاش قانونگذار برای توسعه دامنه جرایم عمدی با پیش بینی رکن علمی، به مواد ۱۴۴ و بند ب و پ ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا. معطوف نمی شود بلکه در مواد مختلف دیگری نیز این علم ریشه یافته است از جمله، می توان به ماده ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۸۶ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات الحاقی ۱۳۹۹ و ماده ۶۱ قانون جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ اشاره نمود.

بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا در بدو امر، به ذهن متبادر می نماید که، رفتار ارتكابی به دلیل فقدان قصد یا هدف معین نسبت به نتیجه واقع شده، غیر عمدی است. به سخن دیگر، جنایت در صورتی عمدی محسوب می شود که مرتکب قصد فعل و قصد نتیجه نسبت به هدف یا شخص معینی را در ذهن و روان خود پرورانده و به نتیجه مورد نظر رسیده باشد. به تعبیر یکی از حقوق دانان برای تحقق قتل عمدی (مرتکب) باید قصد انجام فعل بر روی مجنی علیه داشته باشد. (پوربافرانی، ۱۴۰۱: ۲۱) در غیر این صورت جنایت عمدی نخواهد بود. با ملاحظه بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا و تبصره ذیل آن مشخص می شود در مواردی که مرتکب، قصد قتل یا جنایت نسبت به شخص معینی که آسیب دیده را در ذهن خود ترسیم نموده است؛ اعم از آن که شخص معین دیگری را تصور نموده یا شی ای دیگر (حیوان یا اجسام) و حتی در فرضی که اساساً قصد آسیب به هیچ شخص یا شی ای را از ابتدا نداشته، این امکان وجود دارد طبق ماده ۲۹۰ ق.م.ا، جنایت واقع شده عمدی محسوب گردد. دلیل عمدی بودن جنایت بر شخص نامقصود، بیش بینی یک نظیر و جانشین برای عنصر روانی قصد است. به دیدگاه دیگر، قانون گذار در تقنین جدید از مرزهای فقهی و فلسفی و حتی دیدگاه پیروان نظریه شرانتقال یافته فراتر رفته و قضات را از مذاقه در قصد و نیز انتقال قصد از هدف مقصود و معین به هدف نامقصود بی نیاز ساخته است. به نحوی که در صورت فقدان قصد معین نتیجه، احراز علم (یقین نسبی) به نتیجه واقع شده برای عمدی محسوب شدن قتل یا جنایت، مشروط بر وجود سایر مولفه های جنایت عمدی، کافی است. به تعبیر دیگر در حال حاضر وفق قانون ایران، علم به مانند قصد جهت احراز سوء نیت موضوعیت دارد و از ماهیت طریقتی سابق خود جهت احراز قصد (قصد تبعی) عدول کرده است. بنابراین این دیدگاه که قانونگذار (در تبصره ماده ۲۹۲) بر مبنای علم و آگاهی مرتکب به نتیجه نوعی رفتار خود، قصد در رفتار وی نسبت به مجنی علیه را مفروض دانسته و از حاصل جمع علم به موضوع و قصد مفروض در رفتار نسبت به مجنی علیه، عمد را محرز دانسته (قورچی بیگی، نقیعی، ۱۳۹۴: ۲۰) قابل پذیرش نمی باشد. زیرا اساساً در تبصره مذکور قصد اعم از واقعی یا مفروض جایگاهی ندارد و با توجه به عبارت ابتدایی این تبصره؛ ((هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می شود...)) علم را باید به عنوان جلوه ای

۱. تعبیر (نوعاً) در تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا بر نتیجه نسبتاً مسلم دلالت دارد. (برای اطلاع بیشتر، رجوع کنید به :

از سوء نیت قانوناً مفروض دانست نه قصد را. با این حال برخی از حقوق دانان، بر این اعتقاد هستند هرگاه فرد با علم به تحقق نتیجه رفتاری را مرتکب شود، وی نیز قاصد به نتیجه محسوب می شود. (یکرنگی، عالی پور، ۱۳۹۴: ۱۵۵) به نظر می رسد از نظر ایشان، علم، چهره دیگری از قصد است، لکن همان گونه که اشارت رفت، قصد و علم هر یک چهره ای از سوء نیت و هر کدام واجد استقلال هستند.

علی ای حال، قانونگذار ایران در فرض تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا نظریه سوء نیت انتقال یافته را نپذیرفته و با پیش بینی رکن علمی، دیدگاه حقوقدانان را به نظریه شرّ یا سوء نیت علمی معطوف ساخته است. مطابق این نظریه مسلم و تقنین یافته در قانون ایران، در صورت اشتباه یا خطای در هدف یا شخص، علم مرتکب به نتیجه واقع شده، جایگزین قصد ابتدائی وی شده و مرتکب را در زمینه جنایت عمدی قرار می دهد. به عبارت دیگر برخلاف دیدگاه دکترین شرّ انتقال یافته در حقوق انگلستان و آمریکا، تجانس نتیجه مقصود و نامقصود، شرط نمی باشد و بحث انتقالی قصد، جای خود به بحث جایگزینی قصد با علم داده است. بدین نحو که ممکن است مقصود جانی در ابتدای امر، ایراد آسیب مالی به مجنی علیه باشد، لکن در نهایت به دلیل خطاء، جسم وی هدف قرار گرفته و موضوع جنایت قرار گیرد. (عدم تجانس جرم مقصود و جرم حاصل شده) امری که مانع اعمال نظریه شرّ انتقال یافته می شود. بنابراین می توان بر این دیدگاه بود که نظریه سوء نیت علمی بیش از نظریه شرّ انتقال یافته توسعه یافته ی نظام حقوقی کامن لا، دامنه جرایم و جنایات عمدی را در موارد اشتباه در هدف وسعت داده است. اتخاذ عنوان نظریه شرّ علمی توسط نویسندگان بدین جهت بوده است که، اولاً منظور از شرّ، در دکترین مذکور، نیت سوء است نه صرفاً قصد مجرمانه. دوماً سوء نیت خاص در جرایم مقید به نتیجه در حقوق کیفری ایران دو روی یک سکه است و کارکرد هر دو یکی است، بدین شکل که یک روی این سکه قصد به نتیجه و روی دیگر، علم به نتیجه است. هر یک می تواند جایگزین دیگری باشد و اجتماع آن دو نیازی نیست و احراز یکی از این دو چهره برای عمدی بودن جنایت یا حتی جرم عمدی مقید، کافیهست. (مانند جرم تخریب) بنابراین علم، مانند و نظیر قصد، عمل می کند، هر چند که مراحل تکوین آنها در ذهن انسان، متفاوت است. لذا ادعای مرتکب در مقوله اشتباه در هدف و فقدان قصد نتیجه

نسبت به موضوع جنایت، زمینه را برای بررسی عنصر نظیر قصد، یعنی علم یا شناخت آگاهانه، فراهم می‌سازد. چهره‌ای که در نظریه شرّ انتقال یافته مفقود است و نبود این عامل و توجه صرف به قصد، منجر به اختلافات فراوان جهت پذیرش این نظریه شده است. آنچه که در این مقاله در صدد بررسی آن هستیم، تسری علم به نتیجه مجرمانه به مقوله اشتباه در هدف است که سابقاً در حقوق کیفری ایران وجود نداشته است. قانون گذار ایران به مانند اسلاف خود در ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جنایت ماهیتاً خطای محض را به عنوان شق سوم از جنایات مطروحه در قانون (ماده ۲۸۹ ق.م.ا) پیش بینی می‌کند، بند پ آن به عنوان قاعده جنایت خطای محض و جنایت ناشی از اشتباه در هدف، تخصیص یافته است. در این بند مقنن اشاره می‌نماید اگر جنایتی واقع شود که عامل، قصد فعل واقع شده و قصد نتیجه واقع شده بر مجنی علیه را نداشته باشد، این جنایت عمدی محسوب نمی‌شود. به تعبیر دیگر اگر مرتکب خواهان ارتکاب رفتار بر مقتول نبوده و بالتبع خواهان قتل وی نبوده، جنایت ماهیتاً خطائی است مگر اینکه در ارتکاب، مرتکب تقصیر شده باشد که در این حالت مشمول بند پ ماده ۲۹۱ ق.م.ا می‌شود. قانونگذار تا اینجا بسنده نمی‌کند بلکه طبق قاعده‌ای که در ماده ۱۴۴ ق.م.ا بدان تصریح نموده، در تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا، تاکید می‌کند اگر با وجود عدم قصد، مرتکب، عالم و متمرکز به ارتکاب رفتار یا قتل باشد، عمل وی عمدی است. به نظر نگارندگان، حتی اگر تبصره مذکور در قانون تدوین نمی‌یافت، مورد طبق بند ب ماده ۲۹۰ و فراز پایانی ماده ۱۴۴ ق.م.ا، عمدی محسوب می‌گشت. این سخن یکی از حقوق دانان مبنی بر اینکه حکم مقرر در تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا حکم جدیدی نبوده و تکرار بند ب ماده ۲۹۰ و ماده ۱۴۴ ق.م.ا است کاملاً مقرون به صحت می‌باشد. (محمد خانی، ۱۴۰۰: ۱۸۸) بنابراین طبق مشی جدید قانونگذار ایران، دانستن می‌تواند بدیل خواستن قرار گرفته و مرتکب را در حیطه جنایات عمدی محفوظ بدارد. لذا دیدگاه برخی از حقوق دانان مبنی بر این که مناسب بود موارد مذکور در تبصره، جنایت شبه عمدی محسوب شود، قابل پذیرش نیست. (زراعت، ۱۳۹۴: ۳۹۷) در جهت مقابل، برخی دیگر از نویسندگان چنان افراط نموده‌اند که به استناد تبصره مذکور، تقصیر و یا بی احتیاطی شدید یا فاحش را به جهت قابل پیش بینی بودن نتیجه، عمدی می‌شمارند. (پرویزی، داورنیا، سلیمانی ملایوسف، ۱۴۰۰: ۵۴) به نظر می‌رسد ریشه این اعتقاد در این موضوع باشد که از نظر ایشان، تبصره

یاد شده نوعی سوء نیت احتمالی یا تقصیر جزائی شدید را تداعی می نماید. لکن این برداشت با توجه به ادبیات تبصره ((مرتکب آگاه و متوجه باشد))، مقرون به صحت نمی باشد. بلکه پیش بینی باید افاده علم و یقین قطعی به طور معمول نماید، بدین گونه که از نظر برخی از حقوق دانان نتیجه، حاصل اطمینان فرد یا پیش بینی یقینی او از وقوع نتیجه باشد. (حاجی ده آبادی، حسانی، ۱۴۰۰: ۴۳)

۳. چالش تسری نظریه شرّ انتقال یافته به حقوق ایران

به نظرمی رسد تسری نظریه شرّ انتقال یافته به حقوق کیفری ایران دارای چالش فقهی و حقوقی نسبت به مقوله قصد در جرایم مقید به نتیجه و جنایات باشد. زیرا بر اساس نظام حقوقی کامن لاکافیست قاضی احراز نماید متهم قصد ابتدایی بر ایراد صدمه یا جنایت داشته است. در این صورت معین یا نامعین بودن ذهنی مجنی علیه حائز اهمیت نمی باشد. زیرا رویه قضایی انگلستان طبق نظریه مزبور به صورت تخیلی میان آنچه که اندیشیده شده است با آنچه که واقع شده است، رابطه نفسانی ایجاد می نماید. بنابراین در فرضی که سارا قصد کشتن سحررا داشته است لکن مسعود به قتل می رسد، قتل عمدی است (به صرف احراز قصد قتل) با این که ممکن است مسعود پدر سارا بوده و هرگز نسبت به وی تفکر مجرمانه نداشته باشد. اما در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران طبق نظر غالب^۱، این گونه نبوده و قتل واقع شده غیر عمدی است. مگر اینکه قصد یا علم مرتکب به قتل واقع شده احراز گردد. زیرا عمد یا سوء نیت به عنوان عنصر روانی جرایم و جنایات عمدی به موضوعات مشخص اعم از اشیاء یا جانداران تعلق می گیرد و هیچگاه به معنی تصمیم به ارتکاب جرم در یک مفهوم کلی نیست. به بیان دیگر، عمد

۱. (اراک، ۱۳۷۳: ۲۳۹)، (حلی، ۱۴۱۳: ۴/۵۵۶)، (حسینی العاملی، بی تا: ۱۰/۲۶۶) (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۳۴)، (مرعشی، ۱۳۷۳: ۱۰۶/۱) و شهیدین معظم - آقائی نیا، ۱۳۹۵: ۳۹۲)، (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۵۴۰)، (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۶)، (هادی صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۶-۲۷۹)، (جنت مکان، ۱۳۹۷: ۲/۱۵۷)، (پوریا فرانی، ۱۳۹۷: ۱۴۸-۱۴۹) (محمد خانی، ۱۳۹۷: ۲/۲۲۷). یکی از نویسندگان در این خصوص از حضرت آیت الله خامنه ای، استفتائی به عمل آورده است؛ سوال - فردی با قصد قتل "الف" به سوی او تیراندازی می کند ولی به علت عدم مهارت و عوامل دیگر تیرش خطا رفته و شخص "ب" را می کشد، با فرض محقون الدم بودن هر دو، نوع قتل ارتکابی و حکم قضیه چیست؟ و آیا می توان قاتل را تعزیر نمود یا خیر؟ در پاسخ فرمودند: حکم شبه عمد را دارد و غیر از ثبوت دیه، عقوبت دیگری ثابت نیست. (مسعودی، ۱۳۷۸: ۷۴) فتوای ایشان در خصوص حکم قتل ناشی از اشتباه در هویت نیز، غیر عمدی (شبه عمد) است. (مسعودی، ۱۳۷۸: ۱۹۲) و (برهانی، الهام، ۱۳۹۵: ۲۰۲-۲۰۳)

به معنای عمد نسبت به یک شی و یا شخص معین است و انسان هیچگاه به صورت مطلق و انتزاعی قصد امری را نمی‌کند؛ بلکه قصد او حتماً باید به یک واقعیت خارجی بیرونی تعلق گیرد. لذا هیچگاه کسی نمی‌تواند بطور کلی و مجرد قصد کشتن انسان یا قصد تخریب اموال داشته باشد، بلکه این قصد باید به انسان و یا اموال خارجی تعلق گیرد تا بتوان از عمد مرتکب سخن گفت. (محمد خانی، ۱۳۹۷: ۸-۲۳۷) در هر حال تعلق سوء نیت به مصداق خارجی دو صورت خواهد داشت. حالت اول که انسان، مصداق مشخصی را قصد نکرده و بلکه تمامی مصداق‌ها را قصد می‌کند؛ مانند آنکه قصد کشتن یا توهین با تهدید هر انسانی را که با او روبرو شود یا قصد تخریب هر مالی را که ببیند، داشته باشد یا با بمب‌گذاری در یک مکان عمومی قصد کشتن تمامی افراد حاضر در آنجا را بنماید. سوء نیت مرتکب در این فرض نسبت به هر موضوعی که رفتار مرتکب به آن منصرف شود، تشکیل شده است. دلیل این امر آن است که از لحاظ منطقی، قصد یک موضوع کلی، مستلزم قصد مصادیق مزبور به صورت جزئی است. (همان: ۲۳۸) به بیان دیگر، در قصد کلی، قصد افراد قهراً وجود دارد و انطباق کلی بر افراد، یک امر قهری است. (از کل به جزء) (مرعشی، ۱۳۷۶: ۱۰۷) اما موضوع نظریه سُر انتقال یافته قصد کلی نیست که بخواهیم به استناد آن قصد جامع را بر جزئی تسری دهیم، بلکه موضوع نظریه مزبور بدو قصد جزئی است که آن را به کل، تسری می‌دهند. (از جزء به کل) لذا این دیدگاه که به استناد بند ت ماده ۲۹۰ ق.م.ا موارد اشتباه در شخص طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عمدی محسوب می‌گردد، قابل پذیرش نیست. (کلانتری، شیرازدی فر، ۱۳۹۳: ۹۶) اما حالت دوم فرضی است که انسان، قصد موضوع مشخصی را می‌نماید. در این حالت که موضوع خطای در اصاب است، قصد یک یا چند موضوع مشخص، به مفهوم عدم قصد بقیه موضوعات است. زیرا انصراف اراده به یک یا چند امر مشخص و نه تمامی مصادیق آن، به معنای آن است که میان همه مصادیق، تنها یک یا چند موضوع، مورد قصد قرار گرفته و بقیه موضوعات خارج از نیت قرار دارند. بنابراین زمانی که فردی قصد کشتن یک انسان یا تخریب یک مال مشخص را می‌نماید، این قصد مشخص به معنای عدم قصد تمامی انسان‌ها یا اموال دیگر غیر از موضوع قصد اوست و لذا در صورتی که انسان یا مالی غیر از آنچه مورد نظر بوده است، کشته و یا تخریب شود، نسبت به آنها

۱. رجوع کنید به بند ت ماده ۲۹۰ ق.م.ا.

فاقد نیت مجرمانه خواهد بود. (محمد خانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹) حقوقدانان ایرانی که قائل به سوء نیت در خطای اصابت هستند، عموماً دو دلیل ارائه می دهند؛ دلیل اول آنکه چون مرتکب قصد قتل انسانی را داشته و در عمل انسانی کشته شده است و عمد او محقق است. (محسنی، ۱۳۹۳: ۲/۲۳۴ و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲/۱۹۳ و سپهوند، ۱۳۸۶: ۸۰) اما این استدلال بیش از آنکه سوء نیت مرتکب را اثبات کند، خطرناکی چنین فردی را اثبات می نماید به عبارت دیگر قصد کشتن انسان در این معنا، مساوی با تحقق سوء نیت نسبت به جنایت واقع شده نیست. (محمد خانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹) ضمن اینکه قصد جزئی قابل تسری به عموم نیست. دلیل ثانی که در عمدی بودن قتل ناشی از اشتباه در اصابت اراده می گردد، آن است که اگر مبنای رفتار انسان نامشروع باشد، تمامی نتایج حاصل از رفتار غیر قانونی مزبور به حساب او گذاشته خواهد شد. (آزمایش، ۱۳۷۷: ۶-۸) این استدلال نیز قابل پذیرش نیست زیرا غیر قانونی یا نامشروع بودن رفتار (عنصر مادی) مثبت رابطه نفسانی مرتکب با رفتار یا عنصر روانی وی نخواهد بود. بنا به مراتب فوق البیان با عنایت به تفاوت دیدگاه در خصوص قصد در امور کیفری ایران و موافق با مخالفان نظریه شر انتقال یافته در نظام حقوقی کامن لاء، قصد قابل انتقال از یک غرض به غرض دیگر نیست و این امر نسبت به علم هم قابل تسری است و امکان انتقال علم از یک هدف به هدف دیگر صادق نیست و در هر مورد باید نیت جزئی احراز گردد مگر اینکه مرتکب نیت مطلق داشته باشد. لذا قلمروی تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا صرفاً علم به نتیجه مجرمانه است و همین امر موجب می شود نظریه شر انتقال یافته از آن خروج موضوعی داشته باشد، مضافاً نظر برخی از حقوق دانان^۱ در خصوص عمدی بودن قتل ناشی از اشتباه در اصابت به استناد بند ت ماده ۲۹۰ ق.م.ا که با مبنای طرفداران نظریه شر انتقال یافته همسو است، به دلیل مطلق و کلی بودن قصد در بند یاد شده، خروج موضوعی دارد. زیرا لزوماً بر اساس نظریه شر انتقال یافته و مقوله اشتباه در اصابت در حقوق ایران (بند پ و تبصره ماده ۲۹۲) مرتکب باید بدو قصد جزئی قتل داشته باشد.

۱. نظریه ورساری نیز بر این اعتقاد استوار بود: ((کسی که مرتکب یک عمل غیر قانونی و نامشروع می شود، از نظر حقوق کیفری مسئول تمام عواقب بعدی است، صرف نظر از اینکه آنها پیش بینی شده، قابل پیش بینی یا مورد نظر باشند.)) (Phelps, ۲۰۱۶: ۶)

۲. رجوع کنید؛ کلانتیری، کیومرث، شیرزادی فر، فرشاد (۱۳۹۳)، (قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات)، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، ۳۵، ۷۹-۹۶

۴. وجوه اشتراک و افتراق میان نظریه شُر انتقال یافته و نظریه شُر علمی

شناخت و تبیین وجوه مشترک و غیر مشترک نظریه شُر انتقال یافته و نظریه شُر علمی بسیار حائز اهمیت بوده و ضمن تعیین قلمروی موضوعی هریک، موید عدم امکان مطلق تسری نظریه شُر انتقال یافته با وجود تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا است.

۱.۴. وجوه اشتراک

اولین وجه اشتراک میان نظریه شُر انتقال یافته و نظریه شُر علمی مقرر در مواد ۱۴۴، بند ب ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ از قانون مجازات اسلامی این است که حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در نظام حقوقی کامن لُ مطلقاً و در حقوق ایران استثنائاً در صورت احراز شرط علم حصولی (علم به وقوع قتل)، عمدی تلقی می شود. دومین وجه اشتراک این است که در مقوله اشتباه در شخص در هر دو نظریه، نسبت به نتیجه واقع شده قصد واقعی یا سوء نیت مستقیم وجود ندارد. بر اساس نظریه شُر انتقال یافته نسبت به نتیجه نامقصود، قصد انتقالی موجب عمدی محسوب شدن قتل و بر اساس نظریه شُر علمی نسبت به نتیجه نامقصود، علم حصولی موجب عمدی محسوب شدن قتل واقع شده می شود. سومین وجه اشتراک این است که در هر دو نظام حقوقی کامن لُ و ایران اشتباه در هدف فقط اختصاص به اشتباه در شخص یا قتل ندارد و می توان به سایر جرایم نیز طبق ملاک های تعریف شده تسری داد. به سخن دیگر برخلاف دیدگاه برخی از حقوق دانان^۲ علم به وقوع نتیجه طبق ماده عام ۱۴۴ ق.م.ا قابل تسری به تمامی جرایم عمدی مقید به نتیجه می باشد و محدود نمودن آن به موارد منصوص قانونی، قابل پذیرش نیست. مضافاً در پایان باید اشاره نمود، موضوع علم به مانند

۱. استثنای مذکور تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا یعنی هدف نامعین همراه با علم ناشی از اصل مقرر در بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا (هدف معین) و بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا (هدف نامعین عاری از علم) است.

۲. از نظر این گروه از نویسندگان، تفسیر فراز پایانی ماده ۱۴۴ ق.م.ا بدین نحو است؛ در صورتی که به موجب نص قانونی، علم به وقوع نتیجه برای تحقق آن جرم خاص کفایت کند، قاضی موظف است این علم را پس از احراز جایگزین قصد نتیجه نماید. بنابراین نمی توان ذیل ماده ۱۴۴ را اولاً به تمامی جرایم تسری داد و ثانیاً نمی توان آن را مفروض دانست. (برهانی، الهام، ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۵) برای ملاحظه نظر مخالف رجوع کنید به: (محمد خانی، عنصر روانی جرایم عمدی، ۱۳۹۵: ۲۵۹/۱) و (میر محمد صادقی، حقوق جزای عمومی، ۱۴۰۰: ۱۴۱/۱-۱۵۷)

قصد^۱ می تواند معین و یا مُقید یا نامعین و یا مُطلق باشد. (اطلاق تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا. موید این نظر است)

۲.۴. وجوه افتراق

علت عمدی محسوب شدن جنایت بر اساس تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا، علم مرتکب به نتیجه مجرمانه در موارد فقدان قصد مجرمانه طبق ادعای عامل و قرائن و امارات قبل و حین ارتکاب جنایت ناشی از اشتباه در هدف است. به تعبیر دیگر، دانستن جایگزین خواستن جنایت شده است. بدین نحو که مرتکب به قصد قتل یا ایراد جنایت بر فردی معین، اقدام نموده لکن به دلیل خطای در عمل، جنایت بر روی فرد دیگری که مقصود مرتکب نبوده (نامعین) اما نسبت به ایراد جنایت بروی علم و یقین داشته، واقع می شود. بدین ترتیب، بحث انتقال قصد از یک هدف به هدف دیگر یا بحث علم از یک غرض به غرض دیگر مطرح نمی باشد، صرف نظر از اینکه اساساً قصد یا علم قابلیت انتقال از یک موضوع به موضوع دیگر را ندارد. بلکه بحث بر سر حذف یک رکن روانی تحت عنوان قصد به دلیل عدم احراز و جایگزینی رکن دیگر روانی تحت عنوان علم به دلیل احراز است. با عنایت به الفاظ مقرر در قانون، احتمال نمی تواند جنایت ناشی از اشتباه در هدف را در محور جرایم عمدی قرار دهد و با عنایت به مواد ۱۴۵ و بند پ ماده ۲۹۱ ق.م.ا باید اذعان داشت، سوء نیت احتمالی در شمار جرایم غیر عمدی و جنایات غیر عمدی قرار می گیرد. بنابراین آنچه که در حقوق ایران می تواند قائم مقام قصد مجرمانه گردد، علم است. اما در نظام حقوقی کامن لاًز جمله انگلستان، با توجه به مقوله علم به عنوان جزئی از سوء نیت و عنصر روانی جرایم عمدی، در مبحث اشتباه در شخص یا هدف بدون توجه به این رکن و صرفاً با استدلال انتقال قصد از انسان منظور به انسان نامنظور، حتی بدون امعان نظر به این که مجنی علیه قابل پیش بینی بوده یا نبوده است، جنایت ناشی از اشتباه را با تئوری شرّ یا سوء نیت انتقال یافته عمدی می شناسند. توجیه اصلی طرفداران نظریه مذکور که

۱. بند های الف و ت ماده ۲۹۰ ق.م.ا.

در ایران نیز طرفدارانی را نیز از حقوقدانان^۱ و حتی فقها^۲ به خود اختصاص داده است، این است که مرتکب قصد قتل یک انسان محترم و بیگناه را داشته است و در عمل نیز یک انسان محترم و بیگناه کشته شده است و این که انسان کشته شده مقصود عامل بوده یا نبوده، تاثیری در عمدی بودن رفتار ارتكابی ندارد. زیرا قانونگذار در صدد حمایت از نوع انسان است نه انسان خاص (انسان پماهو انسان) این تفکر بیش از این که به مقوله عنصر روانی در جنایات توجه داشته باشد به عنصر مادی و حتی مسئولیت مطلق توجه دارد. به این معنی که چون انسانی کشته شده است، قتل عمدی است حتی اگر مرتکب قصد کشتن شخص دیگری را داشته باشد که یا او هم کشته شده است یا کشته نشده است.

از مهم ترین وجوه افتراق نظریه شُرانتقال یافته با نظریه شُر علمی، می توان این موارد را نام برد؛ نخست؛ در نظریه شُرانتقال یافته همان گونه که اشارت رفت، تجانس فی مابین جرم منظور و محصول شرط است این در حالی است که در نظریه شُر علمی (علم به وقع نتیجه) تجانس میان جرایم مقصود و نامقصد شرط نمی باشد. دوم؛ بر اساس نظریه شُرانتقال یافته مرتکب باید بدو قصد آسیب رساندن به موضوع معینی را داشته باشد در حالی که در نظریه شُر علمی قصد ابتدایی شرط نیست به نحوی که مرتکب بدو قصد آسیب رساندن به موضوعی را ندارد ولی می داند رفتار وی منجر به صدمه به موضوعی خواهد شد. فی المثل مرتکب با زدن سنگ بر روی موج های ساحل قصد سرگرم کردن خود را دارد اما می داند این اقدام وی منجر به صدمه به فردی می شود که در آن اطراف در حال شنا کردن بوده و صدمه دیده است. سوم؛ در نظریه شُر یا سوء نیت علمی، زمانی دادرس به این نظریه متمسک می شود که احراز قصد برای وی غیر ممکن باشد، به تعبیر دیگر اذن ورود به این نظریه فقدان قصد است. دادرس با عدم توفیق در کشف قصد مستقیم وفق بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا جهت ادامه بررسی عنصر روانی مرتکب وارد مسیر نظریه مزبور طبق مواد ۱۴۴، بند ب ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ از قانون مجازات اسلامی شده تا دادرسی را با احراز علم حصولی یا فقدان علم و در نتیجه

۱. رجوع کنید به: آزمایش، سید علی، تقریرات حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۷-۷۶، صص (۸-۶) - اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۹۲: ۱۹۲/۲ - گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای اختصاصی، ۱۳۹۶: ۴۰.

۲. رجوع کنید به: معرفت، محمد هادی (۱۳۶۵)، ((قتل عمد، شبه عمد و خطای محض))، فصلنامه حق، ۵، ۳۷-۵۵.

عدم احراز عنصر روانی قتل عمد خاتمه دهد. در حالی که در نظریه شرانتقال یافته قصد عقیم شده منجر به ولوج قصد خیالی ثانوی می شود که از قصد اولیه منتج و نشأت گرفته است. به تعبیر دیگر مسئله، عاریه گرفتن قصد از غیرمنتج منظور به منتج نامنظور است.



برآمد

با توجه به مطالب پیش گفته مختصراً چنین نتیجه گیری می شود:

در مقوله اشتباه در شخص در نظام حقوقی کامن لاً بر اساس نظریه شر یا سوء نیت انتقال یافته، قاتل صرف نظر از این که مقتول برای وی به شکل مشهود، قابل رویت یا پیش بینی بوده یا نبوده است، مسئول و عا مد تلقی و به مجازات قتل عمد محکوم می گردد. زیرا بر اساس ملاک تعریف شده برای این تئوری، قصد به عنوان چهره ای از سوء نیت، از یک غرض معین به غرض نامعین تصادفی تسری می یابد. اما در حقوق ایران با عنایت به بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا اشتباه در شخص مقتول به دلیل فقدان قصد نسبت به نتیجه واقع شده علی الاصول خطای محض و یا طبق بند پ ماده ۲۹۱ شبه عمد محسوب می شود. مگر این که مرتکب وفق تبصره ماده ۲۹۲ استثنائاً با وجود فقدان قصد فعل و نتیجه به دلیل اینکه آگاهانه مبادرت به اقدام کشنده نموده است، قاتل عمدی محسوب شود. لذا علت عمدی تلقی شدن قتل در موارد اشتباه در مقتول در حقوق ایران به دلیل تأسی از نظام حقوقی کامن لاً و نظریه یاد شده نمی باشد، بلکه صرفاً علم و تمرکز به نتیجه مجرمانه طبق نظر غالب در فقه و تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا مبنای عمدی بودن قرار گرفته است. به تعبیر دیگر قانونگذار ایران ضمن پذیرش فقدان قصد در حصول جنایی رخ داده، لکن اطمینان مرتکب در حصول نتیجه را جانشین قصد وی نموده و وی را مسئول قتل عمد محسوب می نماید. بنابراین کفایت بر اساس تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا، قاضی کیفری در موارد اشتباه در هدف یا شخص، رفتار ارتكابی را با وجود فقدان قصد، نوعاً یا غالباً کشنده بداند، در این صورت وفق قاعده مقرر در تبصره ماده ۲۹۰ ق.م.ا، عامل، عالم و متوجه فرض شده و قاضی از اثبات نیت مرتکب در قالب علمی میرا می باشد. زیرا اگر در فرضی که انسان یا انسان های محتاط یا معمولی و متعارف نتیجه رفتار ارتكابی خود را بدانند، مرتکب جنایت نیز، نتیجه رفتار خود را دانسته و با آگاهی اقدام نموده است، هر چند مدعی خطاء باشد؛ مگر آن که بتواند خلاف آن را طبق مفاد تبصره اخیر الذکر اثبات نماید. بدین ترتیب مبنای عمدی بودن قتل ناشی از اشتباه در شخص در ایران و نظام حقوقی کامن لاً وفق نظریه شر انتقال یافته متفاوت و از لحاظ قانونی و حتی فقهی این نظریه ی افسانه ای، مطلقاً قابل تسری به حقوق کیفری ایران نمی باشد.

منابع

الف) فارسی

- آزمایش، سید علی (۱۳۷۷)، *تقریرات حقوق کیفری*، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- آقائی جنت مکان، حسین (۱۳۹۷)، *حقوق کیفری عمومی*، چاپ پنجم، جلد دوم، جنگل.
- ابن فهد حلّی، احمد (۱۴۱۳ ق)، *المهذب البارِع فی شرح مختصر النافع*، چاپ اول، جلد پنجم، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- اراکي، محمد علی (۱۳۷۳)، *رساله استفتائات*، چاپ اول، قم، معارف.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲)، *حقوق جزای عمومی*، چاپ سی ام، جلد دوم، تهران، میزان.
- برهانی، محسن، الهام، غلامحسین (۱۳۹۵)، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، چاپ دوم، جلد اول، تهران، میزان.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۷)، *مجرم و مسئولیت کیفری*، چاپ اول، تهران، جنگل.
- پوربافرانی، حسن (۱۴۰۱)، *جرایم علیه تمامیت جسمانی*، چاپ اول، تهران، شهردانش.
- حاجی ده آبادی، احمد، حسانی، یعقوب (۱۴۰۰)، *علم به وقوع نتیجه یا به قابلیت فعل در ایجاد نتیجه در تشکیل سوء نیت خاص*، حقوق اسلامی، شماره ۶۸، ۳۷-۶۰.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران، میزان.
- حسینی عاملی، محمد جواد، (بی تا)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه*، چاپ اول، جلد دهم و یازدهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ ق)، *قواعد الاحکام*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ ق)، *مبانی تکمله المنهاج*، جلد چهل و یکم و دوم، قم، موسسه احیاء آثار الامام خوئی.

زراعت، عباس (۱۳۹۴)، *شرح قانون مجازات اسلامی*، چاپ چهارم، جلد اول، تهران، ققنوس.

سپهوند، امیرخان (۱۳۸۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران، مجد.
 شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *المقنعه*، چاپ دوم، قم، موسسه النشر
 الاسلامی.

صادقی، محمد هادی (۱۳۹۴)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ بیست و یکم، تهران، میزان.

قورچی بیگی، مجید، نقیبی، سید محمد رضا (۱۳۹۴)، *نظریه سوء نیت انتقال یافته در حقوق انگلستان و تطبیق آن با حقوق ایران*، فصلنامه قضاوت، شماره
 ۲۴-۱، ۸۴

کلانتری، کیومرث، شیرزادی فر، فرشاد (۱۳۹۳)، *قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات*، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵،
 ۹۶-۷۹

گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۶)، *بایسته های حقوق جزای اختصاصی*، چاپ چهارم، تهران، میزان.

محسنی، مرتضی (۱۳۹۳)، *پدیده جنایی*، چاپ چهارم، جلد دوم، تهران، گنج دانش.

محمد خانی، عباس (۱۳۹۷)، *عنصر روانی جرم*، چاپ اول، جلد دوم، تهران، میزان.

محمد خانی، عباس (۱۳۹۵)، *عنصر روانی جرم*، چاپ اول، جلد اول، تهران، میزان.

محمد خانی، عباس (۱۴۰۰)، *تفسیر تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی در پرتو نظریه سوء نیت غیر مستقیم*، پژوهش نامه حقوق کیفری، شماره ۱، ۱۷۵-
 ۱۹۲

مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۶)، *دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام*، چاپ دوم، جلد اول، تهران، میزان.

مسعودی، یوسف (۱۳۷۸)، *شبهه در قتل*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

مازندران.

- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۳)، *الاحکام الشرعیه*، قم، نشر تفکر.
- موسوی خوشدل، فاطمه (۱۳۹۰)، *عنصر معنوی در نظام ایالات متحده آمریکا*، اثر واین آرفیو، چاپ اول، تهران، میزان.
- موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۸)، *نقش اراده در مسئولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران*، چاپ اول، تهران، بهنامی.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ نوزدهم، تهران، میزان.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۴۰۰)، *حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، جلد اول، تهران، دادگستر.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، جلد چهل و دوم، المکتبه الاسلامیه.
- یکرنگی، محمد، عالی پور، حسن (۱۳۹۴)، *معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه*، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، شماره ۲ و ۳، ۱۵۵-۱۶۹.

ب) انگلیسی

Allen, Michael, Edwards, Ian (2019) *Criminal Law*, England, Oxford University press.

Andrew, Ashworth (2016) *Principles of Criminal Law*, England, Oxford University press.

Bohlander, Michael (2010) '*Transferred malice and transferred defences : a critique of the traditional doctrine and arguments for a change in paradigm.*', New criminal law review., 13 (3).

pp. 555-624

Crofts, penny (2015) *The Identic Turn: The Culpability of Accessories and Perpetrators*, Law in Context, pp.37-59

Dressler, Joshua(2009) *Understanding Criminal Law*, United States, Carolina Academic Press.

Ehrenreich, Nancy(2016) *Attempt, Merger, and Transferred Intent, U Denver Legal Studies Research*, pp. 1-37

Horder, Jeremy (2006) *Transferred Malice and the remoteness of unexpected outcomes from intentions*, Criminal Law Review, pp. 179-196

Husak, N. Douglas (1996) *Transferred Intent*, 10 Notre Dame J.L. Ethics & Pub. Pol'y 65-97

J. C. Smith, K. Laird, D. Ormerod, B. Hogan (2015) *Criminal Law*, Oxford University Press.

Lafav, Wayne (2003) *Criminal Law*, United States, Thomson/West.

Peter, B, Kutner,(2016) *The Prosser Myth of Transferred Intent*, Indiana Law Journal, Vol. 91, Issue 4, pp. 1105-1142.

Sitnik,Piotr, theoretical underpinnings of the doctrine of Transferred Malice, *STUDIA IURIDICA LXVII*, pp. 115-129

Westen, Peter (2013) *The Significance of Transferred Intent*, Criminal Law and Philosophy, vol. 7, pp. 321-50

کد نشست قضایی 8048-1400 مورخ <https://www.neshaft.org>

(1/8/1399